

وهابیت در اندونزی

سید محسن میری (حسینی)

چکیده:

تأثیر وهابیت در اندونزی را از جهات مختلفی می‌توان مورد توجه قرار داد و بر همین اساس سؤالات مختلفی را مطرح کرد از جمله این که «گرایش وهابی از چه زمانی و توسط چه کسانی به اندونزی وارد شد» «این جریان تا چه اندازه در جامعه اندونزی تأثیرگذار بوده است و اگر این تأثیرگذاری چندان گسترده و عمیق نبوده است علل آن چیست؟» «چه سازمان‌ها، شخصیت‌ها و جریان‌هایی از وهابیت در اندونزی تأثیر گرفته‌اند؟»

آنچه این مقاله در پی آن است پاسخی اجمالی به سؤال اول و سوم است. گو این که پاسخ به سؤال دوم نیز به نوبه خود بسیار با اهمیت است و باید بدان پرداخت.

کلید واژگان: اندونزی، وهابیت، اخوان المسلمین، سلفی‌گری،

مقدمه:

این که وهابیت چگونه در اندونزی حضور یافت موضوعی است که محل اختلاف و بحث میان صاحب‌نظران است. عده‌ای معتقدند این موضوع به سال ۱۸۰۳ میلادی برمی‌گردد یعنی هنگامی که سه نفر اندونزیایی از سوماترای غربی به حج رفتند و با اندیشه‌های وهابی آشنا گردیدند و پس از بازگشت به اندونزی تاثیر قابل توجهی در گسترش دیدگاه‌های محمدبن عبدالوهاب در این کشور داشتند.

دیدگاه دوم بر آن است که اگرچه در آن روزگار تعداد زیادی اندونزیایی در مکه بسر می‌بردند که با دیدگاه وهابیت آشنا شده بودند و به اندونزی هم رفت و آمد می‌کردند ولی جامعه اندونزی در آن زمان چندان تحت تاثیر وهابیت قرار نگرفت بلکه تنها پس از سال ۱۹۲۴ بود که مساله وهابیت جدی شد.

مخالفتها و همراهی ها

یکی از جریان‌های مقابل هجوم وهابیت در اندونزی سازمان بزرگ نهضت العلماء بود که به‌عنوان یک جریان سنت‌گرای اسلامی از طرفداران فراوانی در جامعه اندونزی برخوردار بود. این سازمان که به دیدگاههایی همچون زیارت اولیاء، توسل به آنها، طریقت صوفیانه و... باور داشت و ملتزم بود در مقابل جریان وهابیت موضع سرسختانه‌ای را اتخاذ کرد.

از سوی دیگر و در مقابل، با حرکت‌های اصلاح‌گرایانه دینی (۱) مواجه هستیم که با سازمان محمدیه و نهضت پرستوان اسلام شکل می‌گیرد که از پشتوانه‌های فکری وهابیت و یا نزدیک به آن بخصوص در زمینه عقاید و کلام برخوردار بودند.

سازمان محمدیه در سال ۱۹۱۲ توسط محمد دحلان که فارغ‌التحصیل مکه بود تأسیس شد. او سخت تحت تأثیر کسانی چون سید جمال الدین اسدآبادی، محمد عبده و محمد بن عبدالوهاب قرار داشت.

محمدیه در آغاز پیدایش سازمانی راست کیش و تندرو در امور دینی بود و هدف خود را مبارزه با بدعت‌ها و خرافات می‌دانست و این همان چیزی بود که وهابیت داعیه آن را داشت. البته محمدیه بعدها تدریجاً تعدیل شد و امروزه دیدگاه‌هایش تفاوت اساسی با گذشته پیدا کرده است.

نهضت پرستوان اسلام نیز در سال ۱۹۲۳ توسط حاج زمزم و حاج محمد یونس تأسیس گردید. طرح اولیه این بود که این نهضت همچون محمدیه، سازمانی اصلاح طلب باشد ولی در سال ۱۹۲۵ با حضور یک استاد هندی بنام احمد حسن که فردی سلفی و تحت تاثیر شدید وهابیت بود این سازمان تبدیل به گروهی تندرو گردید ضمن

آن که به لحاظ گستردگی در حد محمدیه هم نبود و نتوانست در پرورش و رشد و پیدایش افراد روشنفکر بزرگ چندان موفق باشد. برجسته ترین فرد نهضت محمد نصیر بود که به مثابه پلی به برقراری رابطه میان مسلمانان اندونزی و اندیشه وهابی پرداخت.

فعالیت وهابیت سعودی در دهه‌های اخیر:

فعالیت‌های وهابیت از سوی دولت سعودی عمدتاً از سال ۱۹۷۰ شروع می‌شود که کار خود را با ایجاد ارتباط با چندین سازمان سلفی و حتی برخی جریان‌های معتدل، در عرصه‌های آموزشی آغاز کرد و تلاش کرد تا فقه حنبلی را در کنار فقه شافعی - که مسلمانان اهل سنت اندونزی عمدتاً پیرو این فقه هستند- در برخی از مدارس علمیه که پسانترن خوانده می‌شوند قرار دهد.

فعالیت دیگر اینان ترجمه، چاپ و نشر کتابهای منطبق بر دیدگاه وهابی با قیمتی ارزان در دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ از دیگر فعالیت‌های این جریان می‌باشد. در این میان از نقش تاثیرگذار رژیم سوهارتو (در اواخر عمر حکومت) در گسترش وهابیتی که خطری برای رژیم نداشتند و نیز دانش‌آموختگان اندونزیایی را که از کشور سعودی فارغ‌التحصیل شده بودند نباید نادیده گرفت.

سازمان تبلیغی - بین‌المللی سعودی رابطه العالم الاسلامی در سال ۱۹۶۹ دفتر خود را در جاکارتا تأسیس کرد و مسئولیت این دفتر برعهده محمد نصیر از رهبران اسلامی اندونزی که ارتباطات نزدیک و خوبی را با سعودی‌ها داشت گذاشته شد.

محمد نصیر پیشتر رئیس حزب سیاسی - اسلامی ماشومی بود. فعالیت‌های این حزب در سال ۱۹۶۰ توسط سوکارنو ممنوع گردید. او در شورش‌های گروه PRRI (دولت انقلابی جمهوری اندونزی) فعال بود و همین سبب شد به مدت ۵ سال (تا سال ۱۹۶۶) در زندان باشد. پس از آزادی، فعالیت‌های سیاسی را رها کرد و به کار تبلیغ و دعوت اسلامی از نوع سلفی آن مشغول گردید و موسسه DDII (شورای تبلیغ اسلامی اندونزی) را تأسیس کرد (۱۹۶۷). نصیر در سال ۱۹۹۳ از دنیا رفت و تا این زمان همچنان رئیس این مجموعه بود.

وی توانست مبالغ هنگفتی را از سعودی‌ها جهت فعالیت سازمان پیش گفته و نیز ساختن و بازسازی مساجد و سایر فعالیتها در اندونزی دریافت کند.

DDII تدریجاً تبدیل به موسسه آموزشی و به نوعی مرکز فرهنگی بزرگی گردید که افزون بر تبلیغ و دعوت، به چاپ کتاب و برگزاری سمینارها نیز اهتمام دارد. یکی از آثار منتشره توسط این موسسه، نشریه (مدیا دعوه) است.

از فعالیت‌های پیوسته این مجله برخورد با جریان تبشیری مسیحی و نیز صهیونیسم

است. البته جریان فکری این مجله افزون بر وهابیت از اندیشه‌های اخوان المسلمین نیز بهره می‌گیرد.

دهه ۸۰ دوره پر رونق فعالیت‌های اینان در ترویج اسلام وهابی در مناطق مختلف اندونزی است و به همین دلیل گرایش به وهابیت در اندونزی در این دهه بیشتر شده است. توزیع هزاران کتاب مجانی اعم از قرآن و یا کتابهای مؤسس وهابیت (محمد بن عبدالوهاب) و دیگر وهابیان از جمله این فعالیت‌هاست. در کنار اینها حمایت‌های مالی از مردم نیز جای خود را دارد. به عنوان نمونه در هنگامی که ناآرامی‌ها و درگیری‌های عمومی میان مسلمانان و مسیحیان در منطقه مالوکا و آمبون جریان داشت گروه DDII به یاری مسلمانان بر علیه مسیحیان شتافت و آنها را مورد حمایت مالی خود قرار داد.

سازمان مذکور این گونه حمایت‌های مالی را با استفاده از موسسه‌ای با نام کامپک (KOMPAK) که اهداف خود را کمک‌های انسانی اعلام کرده است. این حمایت‌ها با استفاده از منابع مالی دولت سعودی و القاعده و برخی منابع داخلی دیگر صورت می‌گیرد. موسسه KOMPAK اگر چه تلاش زیادی کرده است که فعالیت‌های خود را صرفاً کمک‌رسانی‌های انسانی جلوه دهد ولی ظاهراً واقعیت چیز دیگری است. آنان به شبه‌نظامیان مسلمان در برخورد با کسانی که آنان را دشمن اسلام می‌نامند کمک می‌کنند و برخی از رهبران این گروه با شبکه‌های تروریستی داخلی و بین‌المللی مرتبطند. به عنوان مثال مسئول قبلی KOMPAK در سولاوسی جنوبی به نام آگوس دوی کارنا به اتهام همراه داشتن مواد انفجاری در فرودگاه فیلیپین توسط پلیس این کشور دستگیر شد و باز مسئول همین موسسه در جاکارتا به نام تمثیل لینرونک نیز به همین امر متهم گردید. گفته می‌شود آریس مواندار که از موسسان اصلی KOMPAK است از نزدیکان ابوبکر باعشیر (سلسله جنیان انفجار شهر بالی) است. آریس نیز به ارتباط با شبکه‌های تروریستی در اندونزی متهم شد و به همین دلیل سازمان ملل دارایی‌های او را در سپتامبر سال ۲۰۰۳ بلوکه کرد.

در خصوص کمک‌های مالی سعودی در سالهای اخیر براساس گفته مسئول بخش تبلیغی رابطه العالم الاسلامی در جاکارتا بودجه این سازمان در اندونزی تدریجاً و به مرور زمان کمتر شده است، به خصوص با توجه به این که حساب بانکی اصلی سازمان مذکور در نیویورک است، از سال ۲۰۰۱ ارسال پول به جاکارتا با دشواری‌های ویژه‌ای روبرو شده است.

در حال حاضر دفتر این سازمان به حسب آنچه آنها خود ادعا می‌کنند در جاکارتا ماهانه ۶۰۰ میلیون روپیه (حدود ۶۵۰۰۰ دلار) در ماه بودجه دریافت می‌کند که

هزینه‌های دفتر مرکزی جاکارتا و حقوق ائمه جمعه و جماعت و اساتید و مدرسان در مناطق مختلف را پوشش می‌دهد.

یکی از دیگر موسسات سعودی که در اندونزی نیز دارای شعبه و دفتر است سازمان بین‌المللی اعانات اسلامی (IIRO) است. این سازمان که کاملاً به دولت سعودی وابسته و حدود ۸۰٪ بودجه‌اش از طریق دولت تأمین می‌شود در سال ۱۹۷۸ تاسیس شد و هدف خود را امداد رسانی به مسلمانان دنیا در موارد بلاهای طبیعی و جنگ و... اعلام کرد. این سازمان دارای بخش‌های متعدد زیر است: کمک‌های اضطراری، بهداشت، ایتم و پناهندگان، آموزش، کشاورزی، مشاوره، معماری و مهندسی و بالاخره " پروژه فرزندان ما ".

این سازمان برای آن که بتواند درآمد ثابتی هم داشته باشد تا برخی از هزینه‌ها را پوشش دهد صندوق اوقاف و اعاناتی هم با نام سنابل الخیر ایجاد کرده است. شروع به کار این سازمان در جاکارتا سالها پس از تأسیس دفتر رابطه العالم الاسلامی بود. این موسسه ابتدا ساختمانی مستقل از رابطه العالم داشت ولی در حال حاضر هر دو در یک مجموعه به فعالیت مشغولند.

آنچه مسلم است این است که عمده بودجه این دو مجموعه در جهت گرایش‌های سلفی و وهابی هزینه می‌شود. این موسسه در سال ۲۰۰۲ مبالغی را به دو موسسه وحدت اسلامی و معهد (مدرسه علمیه) صفوان پرداخت کرد.

موسسه وحدت اسلامی اگر چه به صورت رسمی در سال ۲۰۰۲ در شهر ماکاسار تأسیس شد ولی به حسب گفته یکی از رهبران، در سالهای میان دهه ۸۰ فعالیت خود را آغاز کرده است. شکل‌گیری سازمان وحدت اسلامی به دلیل اختلافات داخلی‌ای بوده است که میان اعضاء سازمان محمدیه درباره پذیرش یا عدم پذیرش مبانی قانون اساسی اندونزی (پانچاسیلا) (۲) پدید آمده بود. آن عده‌ای که این مبانی را نپذیرفتند دست به تأسیس سازمان " وحدت اسلامی " زدند.

این موسسه که دغدغه اصلی آموزش و تبلیغ است دارای یک مدرسه شبانه روزی است و در کنار آن سازماندهی تعدادی از خطباء و سخنرانان اسلامی را برعهده دارد. این سازمان، به رغم آن که تعدادی از اعضایش از گرایش افراطی برخوردارند و برخی از آنها در درگیریهای عمومی منطقه پوسو و آمبون در سال ۲۰۰۰ دستگیر شدند، ولی عمدتاً رویکردی معتدلتر نسبت به مؤسسات وهابی دیگر دارد.

مدرسه صفوان نیز در سال ۱۹۹۲ توسط تعدادی از افرادی که فارغ التحصیل از منطقه خاورمیانه بودند تأسیس شد. این موسسه نیز اهتمام عمده اش به آموزش و

تبلیغ با رویکردی سلفی است. اگرچه رویکرد این گروه بیشتر اخوانی است تا وهابی ولی گرایش‌های وهابی آن را نمی‌توان انکار کرد و نشانه‌های آن را در نوشته‌های فراوان موجود در وب سایت (www. alsofwan. or. id) آنان می‌توان دید و شاید بتوان گفت دیدگاه‌های کلامی این گروه مبتنی بر اندیشه‌های وهابی است ولی در روش‌های تبلیغ و دعوت، متکی بر اخوان.

در اینجا نمی‌توان از تأثیرگذاری موسسه سعودی حرمین در اندونزی به آسانی عبور کرد. این موسسه در سال ۱۹۷۹ در ریاض تأسیس شد و هدفش گسترش دیدگاه‌های وهابی در سراسر دنیا بود و ظاهراً وابستگی کمتری به دولت سعودی دارد. این موسسه که از سازمان‌هایی همچون رابطه العالم الاسلامی تندروتر و افراطی‌تر است در سراسر دنیا قریب به ۵۰ شعبه دارد. هزینه‌های این مؤسسه را عمدتاً ثروتمندان سعودی و بقیه ثروتمندان دیگر مناطق تأمین می‌کنند. هر یک از شعبه‌های این موسسه تا حد زیادی به طور مستقل و غیر وابسته به مرکز خود عمل می‌کنند. پس از یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ برخی از شعبه‌های این سازمان متهم شدند که از سازمان‌های تروریستی حمایت‌های مالی به عمل می‌آورند و به همین دلیل شعبه‌های این موسسه در کرواسی، بوسنی، اتیوپی از فعالیت ممنوع شدند.

اگر چه موسسه حرمین به طور رسمی نمایندگی و شعبه‌ای در اندونزی ندارد ولی چندین موسسه همچون مدرسه اسلامی المناهل که از حمایت مالی آنان برخوردارند؛ نمایندگان غیر رسمی آنان محسوب می‌شوند.

اگرچه تا سال ۲۰۰۴ نامی از مدرسه المناهل در میان نبود ولی در این سال سازمان ملل متحد لیستی از موسسات مرتبط با فعالیت‌های تروریستی را منتشر کرد که یکی از این موسسات همین المناهل بود و به همین دلیل فعالیت این موسسه به اتفاق موسسه حرمین ممنوع اعلام شد.

در اینجا شاید مناسب باشد ذکری هم از مدرسه اسلامی حرمین به میان آید. مسئولیت این مؤسسه را هدایت نور وحید بر عهده دارد. وی فارغ التحصیل از کشور عربستان سعودی است و رهبری حزب مترقی عدالت PKS را بر عهده داشت و اخیراً به عنوان رئیس یکی از دو مجلس کشور اندونزی برگزیده شد.

در سال ۲۰۰۴ سازمان ملل متحد مدعی شد که این مدرسه به عنوان شعبه موسسه سعودی حرمین، با شبکه تروریستی مرتبط است ولی هدایت نور وحید هرگونه ارتباطی را با این موسسه سعودی تکذیب کرد و البته پس از آن سازمان ملل از ادعای خود دست کشید.

لازم به ذکر است اخیراً تحولاتی در حزب مترقی عدالت PKS و رهبران آن همچون هدایت نور وحید رخ داده است و از بنیادگرایی نزدیک به وهابیت بسوی اخوان المسلمین تمایل پیدا کرده‌اند و نیز به تعامل با دیگر جریان‌ها موجود در اندونزی پرداخته‌اند.

از دیگر موسساتی که تحت تأثیر وهابیت قرار دارند جبهه مدافعان اسلام (FPI) است. FPI در سال ۱۹۸۱ توسط فردی بنام حبیب رزق (۳) تأسیس شد که از عقاید تند و افراطی در خصوص امر به معروف و نهی از منکر برخوردار است. او فارغ التحصیل از دانشکده علوم عربی و اسلامی جاکارتا (LIPIA) می‌باشد. اعضای این گروه در طی سالهای ۲۰۰۲ - ۲۰۰۳ و بخصوص در ماه مبارک رمضان حملات متعددی را به مراکز شبانه و سایر مراکزی که در آنها گناه و معصیت صورت می‌گرفت سازماندهی کردند. ظاهراً او و گروهش در حوادث آتش زدن منازل فرقه احمدیه (قادیانیه) که اخیراً اتفاق افتاد در اندونزی نیز نقش داشته‌اند. (۳) این نوع حرکت دقیقاً برگرفته از فعالیتهایی است که توسط گروهی در عربستان سعودی با نام Mutawwi انجام می‌شود. (۴)

این موسسه سعودی قانوناً و شرعاً مجاز است که به دستگیری افراد مست و یا کسانی را که در مساجد جهت اقامه نماز جماعت حضور نمی‌یابند و یا برخلاف شعایر دینی عمل می‌کنند اقدام کند.

یکی دیگر از این سازمان‌ها جبهه حزب‌الله است. این جبهه که در سال ۱۹۹۹ تأسیس شد نیز از گروههای تندرو و افراطی اندونزی به شمار می‌رود. موسس این گروه، چچپ بوستومی نام دارد که از منطقه بانتن می‌باشد. هدف این موسسه احیای سازمانی است با همین نام که در سالهای آغازین استقلال اندونزی فعال بوده است.

نروی بوناسیو، دبیرکل این موسسه بر این اعتقاد است که وضعیت فعلی اندونزی همانند وضعیت دوره انقلاب و استقلال است و مسلمانان همگی باید در جبهه‌ای واحد بر علیه دشمن خدا متحد و یکپارچه شوند چراکه این امر خود نوعی جهاد به شمار می‌رود. منظور اینان از دشمن خدا کسانی‌اند که مراکز فساد و عیش و نوش و فعالیتهای آلوده به گناه را سازماندهی می‌کنند.

رسانه‌های وهابی:

در کنار این موسسات، نقش رسانه‌ها در ترویج وهابیت در اندونزی نیز قابل توجه است. به لحاظ تاریخی، می‌توان گفت که از زمان استقلال اندونزی، مجلاتی با محتوای دینی و گرایش سلفی منتشر می‌شده است.

برخی معتقدند که دو مجله اصلاح‌گرای پانجی مشارکت در موسسه محمدیه و

المسلمون از موسسه پرساتوان اسلام، پیام آور و گسترش دهنده اسلام تندرو بوده‌اند. گو این که پانجی مشارکت به رویکردهای مدرنیستی نیز اهتمام جدی داشته است. با همه اینها فعالیت وهابیت تند و رادیکال در عرصه مطبوعات با تاخیر نسبت به کتاب؛ عمدتاً در دو دهه اخیر و بخصوص پس از سقوط سوهارتو اتفاق افتاد. چراکه در دوره سوهارتو، نشر مطبوعات نیاز به مجوزی خاص به نام (SLUPP) داشت ولی پس از او این امر لغو شد و در نتیجه اشکال و انواع جدیدی از مطبوعات و نشریات پای به عرصه جامعه گذاشتند گو این که همان گونه که گذشت خود سوهارتو نیز در اواخر حکومت خود در گسترش وهابیت موثر بود. از میان مطبوعاتی که نسبت به وهابیت و به صورتی کلی تر اسلام رادیکال گرایش دارند سه تایی آنها با اهمیت تر از بقیه به شمار می‌روند:

۱. مدیا دعوه (MD): که مجله‌ای ماهانه است و توسط موسسه DDII منتشر می‌شود. این نشریه یکی از رویه‌های دائمی حمله به حرکت نوگرایانه و اصلاح طلبانه لیبرال که به نام حرکت نوسازی (بازسازی) اسلامی معروف است و دکتر نورخالص مجید آن را نمایندگی می‌کرد. ضمن آن که رویکرد این مجله نسبت به اقلیت‌های دینی و مذهبی در اندونزی و بخصوص مسیحیان ستیزه جویانه است و پیوسته گزارشهایی را در مورد فعالیت‌های تبشیری مسیحیان در اندونزی منتشر می‌کند. خوانندگان این مجله طیف‌های گسترده‌ای از مسلمانان هستند. شمارگان آن در دهه ۹۰ حدوداً ۲۰ هزار نسخه بود که رقم قابل توجهی است.
۲. دومین مجله، سیبیلی (Sabili) نام دارد که انتشار آن در سال ۱۹۸۸ و بدون اخذ مجوز منتشر شد و به صورتی غیر قانونی و پنهانی توزیع گردید. این نشریه تا سال ۱۹۹۱ به صورت نامنظم منتشر می‌شد ولی بعداً با جایگزین شدن مدیریت قوی تر و تخصصی تر مجله نظم بهتری پیدا کرد. در سال ۱۹۹۳ مجله به دلیل انتقادات تند به دولت تعطیل شد و این تا سقوط سوهارتو ادامه داشت. این مجله گرایش وهابی در عقیده و گرایش اخوانی در رویکرد سیاسی خود دارد و از لحنی خصمانه و گزنده برخوردار است. هجوم این مجله علیه سمبل مسیحیت یعنی صلیب به صورت آشکار در مجله به چشم می‌خورد. ضدیت و مخالفت با سیاستهای آمریکا در خاورمیانه نیز از دیگر رویکردهای این مجله است.
۳. مجله سوم سوارا هدایت الله نام دارد. این نشریه که به مدرسه‌ای شبانه روزی به نام هدایت الله وابسته است به صورت ماهانه منتشر می‌شود. ادبیاتی که در این نشریه بکار گرفته میشود همچون دو مجله قبل تند و گزنده است. این نشریه به

طور خاص رویکردی خصمانه نبت به مسلمانان لیبرال که در صدد اصلاح دینی هستند و نیز مسیحیان دارد.

اینان بر این باورند که مسیحیان در پی نابودی کشورند و معتقدند سبب نزاع‌های گسترده میان مسلمانان و مسیحیان در آمبون مسیحیان بودند و نه مسلمانان.

نقش مساجد در گسترش وهابیت:

نقش مساجد در گسترش وهابیت نیز با اهمیت است. موسسه DDII تعداد زیادی مسجد بخصوص در مناطق روستایی را در تحت کنترل خود دارد و خطبای جمعه زیادی را که عمدتاً گرایش سلفی و وهابی دارند به این مساجد جهت تبلیغ و دعوت اعزام می‌کند.

DDII در کنار این فعالیتها و نیز مجله خود، بولتن هفتگی‌ای را منتشر می‌کند که در هنگام نماز جمعه در مساجد توزیع می‌شود. مطالب این بولتن عمدتاً به جنبه‌های معنوی و عبادی اسلام می‌پردازد. اگر چه در برخی موارد بحث‌های سیاسی را با ادبیات خاص خود نیز طرح می‌کند.

تأثیر سید قطب و اخوان المسلمین در اندونزی

در پایان مقاله؛ بی‌مناسبت نیست به گونه‌ای گذرا به تأثیر سید قطب و اخوان المسلمین در اندونزی بپردازیم. نیازی به ذکر ندارد که اگر چه میان وهابیت و گرایش اخوان المسلمین (پیروان سید قطب) اشتراکاتی وجود دارد ولی نقاط افتراق آنها هم کم نیست. علمای وهابی معاصر معمولاً اخوانی‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دهند و با آنها مخالفت می‌کنند. در فتاوای روحانیون وهابی موارد متعددی را می‌توان یافت که اینان، مردم را از متابعت اخوانی‌ها منع می‌کنند و آنها را منحرف از اسلام می‌دانند و مدعیند که اولاً اخوان المسلمین از اسلام به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاسی خود استفاده می‌کند و ثانیاً قرائت‌های نوینی را از اسلام ارائه می‌دهد.

و اما جهت مشترک اینان این است که هر دو معتقدند که عقب افتادگی مسلمانان از قافله پیشرفت به دلیل مهجوریت آموزه‌های قرآن و سنت است و برای دستیابی به این پیشرفت باید مجدداً بازگشت به قرآن و سنت نمود. دیدگاه‌های قطب و اخوان المسلمین تأثیر قابل توجهی در کشور اندونزی و بخصوص در میان نسل جوان داشته است. این تأثیر را از آغاز دهه ۸۰ که فعالیت‌های اسلامی دانشجویان در دانشگاه‌های سکولار اندونزی آغاز شد، می‌توان مشاهده کرد به گونه‌ای که دولت را به فکر مقابله جدی با آنان انداخت. پس از دو تظاهرات گسترده که توسط گروه‌های دانشجویی در سال ۱۹۷۴ و ۱۹۷۸ در جاکارتا برگزار شد دولت سوهارتو درصدد مهار فعالیت‌های

سیاسی دانشجویان برآمد و در سال ۱۹۷۸ ممنوعیت فعالیت دانشجویان در عرصه سیاسی را اعلام کرد. به رغم مخالفت‌های فراوان، اجرای این قانون توسط دولت، موفقیت آمیز بود و محدودیت دانشجویان برای فعالیت‌های سیاسی بیشتر شد.

این رویه سیاست زدایی از سوی دولت موجب شد که در اوائل دهه ۸۰ فضای فرهنگی دانشجویی سمت و سوی روشنفکری پیدا کند و حلقه‌های بحث جدیدی شکل بگیرد و گسترش یابد. البته برخی از این حلقه‌ها به بحث‌های سیاسی هم می‌پرداختند که احياناً مورد رضایت حکومت نبود و معمولاً افرادی که در این امور فعال بودند دستگیر می‌شدند و بعضاً به زندان محکوم می‌شدند.

در کنار این جریان روشنفکری، دانشجویان مسلمان نیز فضای جدیدی را برای فعالیت‌های خود یافتند و فعالیت‌های خود را اعم از بحث و اظهار نظر و... به مساجد و نمازخانه‌های دانشگاهها که بازترین فضا برای بحث و ابراز عقیده در امور سیاسی و غیر آن بود منتقل کردند.

اوایل دهه ۸۰، با ظهور گروهی از دانشجویان انسیتیو تکنولوژی شهر باندونگ (ITB) که وابسته به مسجد سلمان بودند همراه بود. اینان حلقه رابط بین شبکه آسره (خانواده و دانشجویان بودند. واژه " اسره " توسط حسن البناء مؤسس اخوان المسلمین در مصر در معنای خاصی به کار گرفته شده بود: " گروهی که هدفشان دستیابی به الگویی متقن و وحدتی عمیق و محکم و اخوتی مستحکم است ". از ویژگیهای اعضای شبکه آسره این است که عضویت آنها در این گروه صرفاً از طریق بیعت انجام می‌شود و به سبب همین نکته بوده است که دولت و برخی از مردم نگاهی بدبینانه به این گروه دارند چرا که بیش و کم یادآور گرایشی بنیادگرایانه و دارای ظرفیت برای به چالش کشیدن مشروعیت حکومت است. شبکه اسره از کتابهای سید قطب به عنوان مبنای ایدئولوژی خود استفاده می‌کند و کتاب معالم فی الطريق او، منبع فکری اصلی اعضای است. (۲)

(۱) مراد ما از حرکت اصلاحی در اینجا به هیچ رو اصلاح گرا به معنای ارزشی آن نیست بلکه صرفاً معنایی است معادل کلمه reform که در فارسی از آن می‌توان به تغییر و بازنگری تعبیر کرد.

(۲) پلیس دینی سعودی که نام اصلیش " هیئته الامر بالمعروف و النهی عن المنکر " می‌باشد.

(۳) وی در گذشته نسبت به تشیع نیز گرایش‌های تند و شدیدی داشته است ولی

گویا اخیراً با آشنایی‌های که با آموزه‌های شیعی پیدا کرده است موضعش تعدیل گردیده است و تا حدی از رویکرد تقریبی برخوردار شده است

در اینجا لازم است نسبت به رویکرد مثبت شیعیان و برخورد عقلانی آنان در تعامل با اهل سنت و نیز گروه‌های فکری و دینی از سویی و حکومت اندونزی از سوی دیگر توجهی ویژه داشت. اینان الگویی بسیار ارزشمند و مترقی از رویکرد تقریبی ارائه داده‌اند به گونه‌ای که شیعیان سایر مناطق می‌توانند با بهره‌گیری از این تجربه و بومی کردن آن؛ تحولاتی اساسی را در جهت ارتقاء جایگاه خود در جهان اسلام رقم بزنند

(۴) پانچاسیلا - که به معنای پنج اصل قانون اساسی است - مرکب از دو واژه پانچ و اسیلا است. پانچ در زبان هندی و اردو همان "پنج" در زبان فارسی و "اسیلا" هم همان "اصل" در زبان عربی است.

(۵) مترجم این کتاب از زبان عربی به اندونزیایی، رحمان زین الدین، یکی از فارغ التحصیلان از کشورهای خاورمیانه است. این کتاب توسط موسسه DDII ترجمه شده است.

در این مقاله از دو اثر ذیل بهره فراوانی برده‌ام:

۱) wahabism influences in Indonesia , real and imagined by: Martin VanBruinessen

۲) Journal of philosophy and Religion, Paramadina university, An Article by Luthfie Assyaukhanie on wahhabism

